

بازگشت توتتم‌ها

به لطف قانونی که سرخپوستان ایالات متحد آمریکا براساس آن می‌توانند آثار هنری خود و بقایای اجدادشان را باز پس گیرند، فضایی احترام‌آمیز میان آنان و موزه‌ها ایجاد شده است.

استیون کینزر

خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز

مدیران موزه‌ها و گروه‌های سرخپوسان در نوامبر ۱۹۹۰ توسط رئیس - جمهور جورج بوش امضا شد. این قانون درصده انطباق دو نظام ارزشی کاملاً متفاوت با یکدیگر است، یکی مبتنی بر تفوق منطق و علوم و دیگری استوار بر ارزشهای مذهبی و معنوی.

طبق این قانون، همه موزه‌ها و مؤسسات فدرال که صاحب آثار هنری و بقایای سرخپوسان آمریکا هستند، موظف‌اند فهرستی از آثار تحت تملک خود تهیه کرده و منشأ قبیله‌ای آنها را تعیین و شناسایی کنند و آنها را از وجود این آثار مطلع سازند. طبق برآوردی موزه‌های ایالات متحد آمریکا بقایای اجساد ۵۰۰ هزار سرخپوست را همراه با میلیون‌ها اثر هنری آنان در اختیار دارند. از زمان تصویب قانون استرداد اموال مسروقه به صاحبان اصلی، طبق آمار اداره ملی پارک، موزه‌ها در حدود ۲۰ هزار مجموعه از بقایای اجساد و بیش از ۳۸۵ هزار اثر هنری را بازگردانده‌اند.

کارشناسان این آمار را گمراه‌کننده و زیاد می‌دانند زیرا شامل تمام مهره‌ها و خرده‌های ظروف سفالی می‌شوند که در یک مقبره سرخپوستی پیدا شده‌اند. اما در میان آنها صدها اثر هنری دست‌ساز زیبا و مهم نیز وجود دارد که در میان مجموعه‌های موزه‌ها آثاری ارزشمند و

پرربها تلقی می‌شوند. k. kiutigh، رئیس انجمن باستان‌شناسی آمریکا می‌گوید: «بعضی از مردم معتقدند این مذهب است که سعی دارد در مقابل علم قدرت‌نمایی کند ولی ما به این مسئله این‌گونه نگاه نمی‌کنیم. ما اعتقاد داریم سرخپوستان آمریکا صاحب حقوق هستند و همین‌طور علوم و تحقیقات و مشروعیت دارند. باید بین این دو توازن برقرار شود. این دقیقاً همان کاری است که این قانون سعی در انجام آن دارد و فکر می‌کنم بسیار هم موفق بوده است. او اضافه می‌کند: «این ظروف سفالی زیبا را که هزاران سال پیش همراه با سرخپوستان به خاک سپرده شده‌اند لمس کنید. افرادی هستند که تصور می‌کنند این آثار باید در زیرزمین در کنار انسان‌هایی که با آنها به خاک سپرده شده بودند باقی بمانند. اما اکثر موزه‌هایی که مجموعه‌های سرخپوستی دارند، آثار تدفینی را به نمایش می‌گذارند. از لحاظ فرهنگی دستاوردهای بسیار عظیمی هستند و گفته‌های زیادی برای ما دارند حتی در بسیاری از موارد برای احیای سبک‌های هنری سنتی از آنها

کمی بیش از یک سال قبل در بعدازظهری سرد اعضای چندین قبیله سرخپوست Tlingit در جنوب شرق آلاسکا برای اجرای مراسمی عاطفی که عده معدودی از آن آگاهی داشتند، دور هم جمع شدند. مجسمه چوبی حکاکی شده سگ آبی که در تاریخ و فرهنگ این مردم نقشی اساسی دارد بعد از گذشت نزدیک به یک قرن غیبت به خانه بازمی‌گشت.

روزگاری این مجسمه به دماغه قایق جنگی کوچک (کانو) زیبایی می‌بخشید، قایقی که مایحتاج این قبایل را حمل می‌کرد. این قبایل در ۱۸۸۱ توسط نیروی دریایی ایالات متحد آمریکا بمباران شدند. بعدها یکی از اعضای قبیله بدون مشورت با دیگران آن را به یک مجموعه‌دار فروخت و از آن زمان این اثر هنری ناپدید شد. در ۱۹۹۸، ریش سفید قبیله از انبار موزه تاریخ طبیعی ایالات متحد آمریکا در نیویورک بازدید می‌کرد،

او می‌گوید صدایی او را به سوی قفسه‌ای فرا خواند. وقتی قفسه را پیدا کرد با حیرت متوجه شد که سگ آبی چوبی به او خیره شده است. طبق ماده قانونی که ده سال پیش تصویب شده بود، قبایل تلینگیت از موزه درخواست استرداد مجسمه چوبی را کردند و

مقامات مسئول موزه نیز آن را پذیرفتند. لئونارد جان یکی از اعضای قبیله که مقدمات استرداد اثر را فراهم کرده است می‌گوید: «روزی که این اثر بازمی‌گشت، همه مردم دهکده در اسکله حاضر بودند و گریه می‌کردند. جان می‌افزاید: «این مجسمه برای ما تنها یک اثر هنری نیست، بلکه ارزشمندتر و دارای ویژگی شفابخش و معنوی است. وقتی آثار هنری ما در سراسر آمریکا پراکنده شدند جای خالی آنها احساس می‌شد. ما نظام ارزشی و آبروی خود را از دست دادیم. غرق در مشکلات اجتماعی مانند خودکشی و اعتیاد به الکل شدیم، اکنون با به دست آوردن دوباره و نگاه کردن به آنها مردم احساس می‌کنند آبرو و عزت نفس از دست رفته‌شان نیز بازگشته است. جراحات خیلی زیاد است اما مراحل درمان و شفا آغاز شده است.»

قانونی که به استناد آن مجسمه سگ آبی به صاحبانش باز گردانده شد یعنی قانون حفظ مقبره‌های سرخپوستان آمریکا و استرداد آنها پس از سالها گفت و گو در میان دانشمندان،

روزی که
مجسمه چوبی بازمی‌گشت،
مردم گریه می‌کردند.
این برای ما تنها یک
اثر هنری نیست.

استفاده می‌شود. از زمان اجرای قانون، مقامات بلندپایه قبایل، با مدیران موزه‌ها که اکنون آموخته‌اند به مجموعه‌های خود با دید جدیدی بنگرند، جلسات مکرری برگزار کرده‌اند. گاهی سرخپوسان تصدیق می‌کنند بهترین کار سپردن این آثار هنری به مجموعه‌هاست جایی که عموم مردم می‌توانند آنها را مشاهده و تحسین کنند.

سرخپوستان در موارد اندکی، به موزه‌ها اجازه حفاظت آثار مقدس را داده‌اند، بعضی نباید در معرض دید عموم قرار گیرند، بعضی به هنگام نمایش باید جهت خاصی داشته باشند و برخی دیگر نیز باید به‌طور مرتب با موادی مانند تنباکو و آرد ذرت تمیز شوند. موزه فیلد شیکاگو، که یکی از

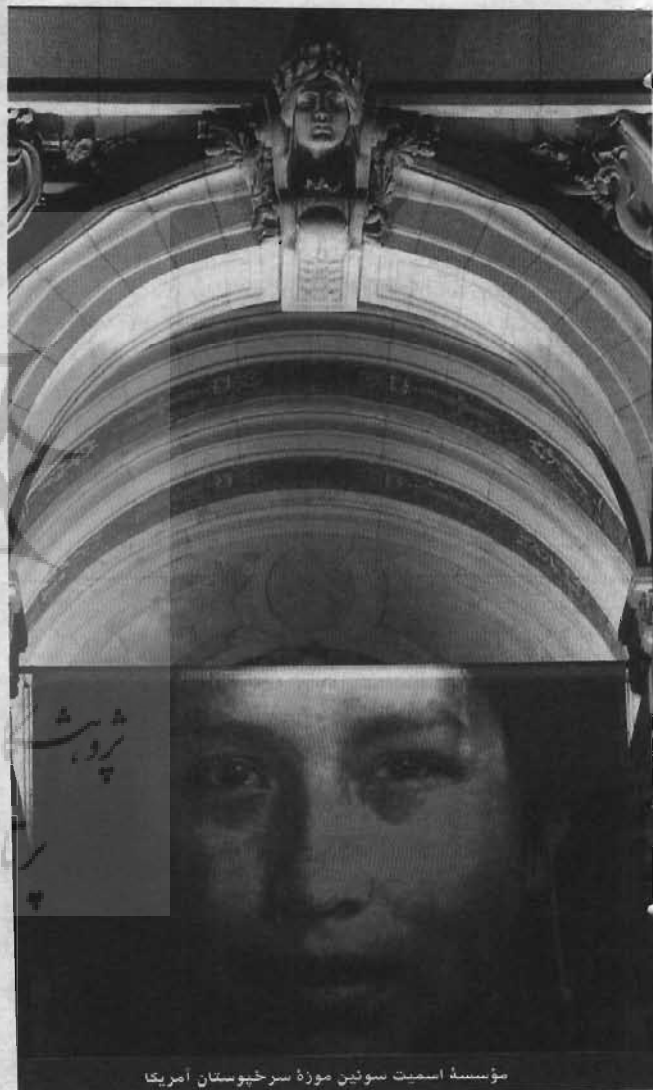
روند استرداد آثار هنری همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. بسیاری از قبایل سرخپوست منابع مالی کافی برای تسلیم دادخواست ندارند. دیگران آن‌قدر مشغول حفظ گورستان‌هایی که در اثر سیل و احداث جاده‌ها کشف شده‌اند هستند که نیروی کافی برای پرداختن به آثاری که در گاو صندوق موزه‌ها در امنیت به‌سر می‌برند ندارند. بعضی از آثاری که قبایل مایل به بازگرداندن آنان هستند چنان با مواد نگهدارنده شیمیایی مانند آرسنیک آغشته‌اند که سمی شده‌اند و برای استفاده در مراسم مناسب نیستند. مشکل دیگر از سوی برخی رهبران قبایل به‌وجود آمده است. آنها اصرار دارند تمام آثار مربوط به تمدن‌های غیراروپایی در آمریکای شمالی به سرخپوستان تعلق دارد. اما قانون مصوب سال ۱۹۹۰، این مشاجرات به اصطلاح «Dau-Indian» را رد می‌کند.

قبیله مدعی باید بتواند تعلق اثر به فرهنگ قبیله خود را ثابت کند. در نتیجه این قانون به نفع برخی قبایل بوده است. برای مثال قبایل نواحی جنوب غربی هویی و ناویو طی قرن‌ها پیوستگی و تداوم فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند بنابراین نسبت به آثار موجود در موزه‌ها حق بیشتری دارند. سایر قبایل نظیر قبایل شرقی ایالات متحد آمریکا که در اثر موج مهاجران اروپایی از بین رفته‌اند برای اثبات نسبت و پیوند با قبایلی که در زمان‌های دور می‌زیسته‌اند با مشکلات بیشتری مواجه‌اند. اختلاف اساسی دیگر تلاش‌های برخی قبایل برای استرداد بقایای اجساد با هزاران سال قدمت است. دانشمندان معتقدند که برای یافتن ریشه‌های مهم تاریخ مهاجرت انسانها به قاره آمریکا باید مطالعاتی روی این بقایا انجام شود. اما بسیاری از مدیران موزه‌ها سرخپوستان را در باز پس گرفتن آثار هنری مقدس و همچنین استخوان‌هایی که قانوناً به اجدادشان تعلق دارد محق می‌دانند. به گفته متخصصانی مانند ریک وست، سرخپوستی از قبیله cheyenne و مدیر موزه ملی سرخپوستان ایالات متحد آمریکا در نیویورک که جزئی از مؤسسه اسمیت سونین یعنی بهترین موزه دنیا از نظر بسیاری از مردم است، این نوع تغییر در بیش نشان‌دهنده نقش مهم قانون است. این موزه در حدود دو هزار اثر را به سرخپوستان ایالات متحد آمریکا، کانادا و چندین کشور آمریکای لاتین بازگردانده است.

وست می‌گوید: «موزه‌هایی که از این آثار نگهداری می‌کنند سهم بسیار زیادی در تقویت این فرهنگ‌ها و حفظ آنها برای آیندگان دارند.» او اضافه می‌کند: «این روند به‌طور مستقیم برای خود موزه‌ها نیز سودمند است. حتی مجموعه‌ای به بزرگی مجموعه‌ها، بسیار خلاصه هستند شده است و در جریان بازگرداندن آثار هنری سرخپوستانی که از مجموعه‌ها دیدن می‌کنند، می‌توانند اطلاعاتی درباره آثاری که استرداد آنها مطرح نیست در اختیار ما قرار دهند.»

وست ادامه می‌دهد: «وقتی این قانون برای اولین بار در ۱۹۹۰ به تصویب رسید، کارکنان موزه‌ها برای رویدادهای آینده نگران و مضطرب شدند، اکنون بیشتر این نگرانی‌ها به تدریج از بین رفته‌اند.

طرفین با تعمق و سنجیده عمل کرده‌اند و ماجرا هم به سود بومیان و هم به سود موزه پایان یافته است. این صرفاً حرف نیست. بلکه تأثیری واقعی داشته است.»



مؤسسه اسمیت سونین موزه سرخپوستان آمریکا

مجموعه‌های غنی سرخپوستان را در اختیار دارد در سال‌های اخیر ده‌ها اثر را برگردانده است. اکنون این موزه در صدد استرداد یکی از آثار ارزشمند مجموعه خود یعنی یک توتم منقوش به تصویر عقاب، یک مرغ افسانه و یک خروس به قبیله فاکس در آلاسکا است. این توتم در ۱۸۹۹ از روستایی دورافتاده آورده شده بود. جان‌اتان هس یکی از مدیران موزه می‌گوید: «هرگز مقصود قانون این نبوده است که کامیون‌هایی آورده شوند و مجموعه‌های موزه‌ها را به زور ببرند. هدف اتخاذ ساز و کاری برای باز پس دادن تعداد اندکی از آثار بسیار مهم و باارزشی است که از ابتدا نباید از مبدأ و محل اصلی خود جدا می‌شدند.»

یکی از دو مجسمه بودا که از طلای خالص بود و در اتاق خواب امپراتور پیدا شد (در قصر تابستانی در بی‌جینگ) به ناپلئون سوم رسید. دیگری سهم انگلیس شد... ما فاتح شده بودیم بنابراین تمام آثار ارزشمند و گرانبها متعلق به ماست.

کنت هریسون

فرمانده نیروهای انگلیسی - فرانسوی در چین (۱۸۶۸-۱۸۳۹)